

شبکه مضمونی مدارا در جامعه

از منظر قرآن کریم*

- مرضیه محمص^۱
- زهره کوچک یزدی^۲

چکیده

تغییرات و دگرگونی‌های پدید آمده در جوامع، گسست‌های اجتماعی متعددی را پدید آورده و بالتبع کنش‌های نامطلوبی در سپهر اجتماعی ایجاد کرده است، با توجه به اینکه مدارا به مثابه یک فضیلت اخلاقی، یکی از ابزارهای بنیادین ترویج فرهنگ هم‌گرایی در جوامع به شمار می‌آید، بدون تردید بازاندیشی در عوامل زمینه ساز تعامل مدارا محور بر اساس مضامین قرآنی، بهبود روابط با اعضای جامعه را در پی خواهد داشت، از این رو پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی، بررسی شبکه مضمونی تعامل مدارا محور را هدف قرار داده است. یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که مطابق آموزه‌های قرآنی، به مدارا در مناسبات اجتماعی، در عرصه‌هایی که زمینه ساز سلطه اندیشه‌های توطئه گرانه نیست و با حفظ مصالح اجتماعی توجه شده است، مرور آیات با محوریت

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۱/۳۰.

۱. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده الهیات و ادیان (نویسنده مسئول)

m_mohases@sbu.ac.ir

۲. دانش آموخته رشته اعجاز قرآن دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده اعجاز قرآن

zohrehyazdi70@gmail.com

موضوع مدارا گویای آن است که صبر، عفو، مغفرت در زمره پر بسامدترین مؤلفه‌های زمینه ساز مدارا به شمار می‌آیند، توصیه قرآنی به مداراجویی با اعضاء خانواده، مخالفان، مؤمنان، عموم مردم و اهل کتاب، در این شبکه مضمونی برجسته شده است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، مدارا، جامعه اسلامی، روابط اجتماعی.

مقدمه

جامعه متشکل از افرادی است که به صورت گروهی روابطی مبتنی بر وابستگی و همبستگی برقرار ساخته‌اند، امروزه همزیستی با اقوام و فرهنگ‌های متنوع در عصر گسترده فزاینده ارتباطات، اهمیتی فراوان یافته است، مدارا به رفتار مهربانانه و خردمندانه‌ای گفته می‌شود که برای رسیدن به اهدافی بلند مدت انجام می‌پذیرد، این تعامل دوستانه بر اساس اصول مشترک در زمره مفاهیم اسلامی محسوب می‌شود، مدارا بر اساس متون اسلامی، تبلور عقلانیت در روابط انسانی است: «عنوان العقل مداراة الناس»، «دلیل عقل مدارا با مردمان است» (خوانساری، ۱۳۶۰: ۴/۳۶۰)، و شاخصه انسان خردمند به شمار می‌آید، حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «علیک بالرفق فإنه مفتاح الصواب و سجنه اولی الالباب»، «بر تو باد به نرمی و ملایمت که آن کلید درستی و منش خردمندان است» (همان، ۲۹۱/۴)، مدارا، سامان بخش مناسبات انسانی و زمینه ساز کامیابی خواهد بود: «الرفق مفتاح النجاح»، «نرمی و ملایمت کلید کامیابی است» (همان، ۷۹/۶)، و تسهیل کننده مناسبات اجتماعی و ابزار فائق آمدن بر مشکلات کلان اجتماعی برشمرده شده است: «الرفق ییسر الصعاب و یسهل شدید الأسباب»؛ ملایمت، دشواری‌ها را آسان می‌سازد و چاره جویی‌های سخت را ساده می‌گرداند» (همان، ۸۹/۶)، «من یتعمل الرفق، لان له السدائد»، «هر که نرمی و ملایمت را به کار گیرد، سختی‌ها برای او آسان گردد» (همان، ۲۸۷/۵).

همچنین درباره ارزش مدارا در تعاملات انسانی ذکر شده است: «الرفق لِقاحُ الصلاح و عنوان النَّجاح»، «ملایمت، بارور کننده صلاح و سرلوحه کامیابی است» (همان، ۱۶۰/۲)، «رَأْسُ السَّيَاسَةِ اسْتِعْمَالُ الرَّفْقِ»، «سر سیاست، به کار بردن رفق و

مداراست» (همان، ۵۴/۴)، «نِعْمَ السِّيَاسَةُ الرَّفِيقُ»، «بهترین سیاست، رفیق و مداراست» (همان، ۱۶۷/۶)، «مَنْ عَامَلَ بِالرَّفِيقِ وَفَّقَ»، «آنکه به مدارا رفتار کند، کامیاب می‌گردد» (همان، ۱۷۵/۵).

در پژوهش حاضر، پاسخ‌گویی به این پرسش مد نظر است که بر اساس آیات قرآنی گونه‌های مدارا در جامعه اسلامی کدام است؟ این نوشتار با هدف ارائه صورت بندی جامعی از مدارا در متن قرآن کریم، روش پژوهش تحلیل محتوا را برگزیده است، لذا پس از بیان ادبیات مفهومی پژوهش، یافته‌های حاصل از رویکرد روشمند به آیات در حوزه گونه‌های مدارا تبیین گردید.

۱. پیشینه موضوع پژوهش

تا کنون تلاش‌هایی برای ارائه خوانشی اسلامی از مفهوم مدارا توسط محققان مختلف با روش تحلیلی-توصیفی صورت گرفته است؛ مرتضی کریمی نیا (۱۳۸۶)، در کتاب «همزیستی مسالمت‌آمیز»، با استناد به قرآن و روایات، اعتقاد مسلمانان را به همزیستی مسالمت‌آمیز بیان می‌نماید و مسائلی همچون دعوت به اصول مشترک، پرهیز از تعصبات مذهبی، آزادی عقیده، دوری از تحمیل دین و احترام به حقوق اقلیت‌ها را از دستورات اصیل اسلامی برمی‌شمرد، همچنین حسین عبدالحمیدی (۱۳۸۱)، در کتاب «تسامح و تساهل در قرآن و روایات»، بر عدم مدارا در موضوعاتی همچون بدعت، ابتذال‌گری و ایجاد اخلاق در امنیت اجتماعی تمرکز داشته است، سیده فاطمه طباطبایی و اعظم عسکری (۱۳۹۸)، نیز در مقاله «شرایط و قلمرو مدارا در قرآن و سنت»،

مصادیقی از مدارا در سه حیطه سیاسی، اجتماعی و اخلاقی را بیان کرده‌اند، سهراب مروتی در «خاستگاه تربیتی مدارا در قرآن و سیره معصومین» (۱۳۹۴)، مدارا را به‌عنوان یک روش تربیتی برای القاء داده‌های جدید به مخاطبان مختلف معرفی می‌کند، در مقاله «آثار خانوادگی و اجتماعی رفیق و مدارا از منظر فریقین»، از محمود کریمی و زهرا یوسفی (۱۳۹۵)، نیز اهتمام مشترک امامیه و اهل سنت به موضوع مدارای خانوادگی تبیین شده است، اما در این پژوهش، مدارا به مثابه یکی از مفاهیم مهم قرآنی

که برای نیل به اهداف کلان اجتماعی و متأثر از نظام ارزشی اسلامی صورت می‌گیرد و به افزایش سرمایه اجتماعی می‌انجامد، مورد توجه قرار گرفته و گونه‌های کاربست مدارا در قرآن کریم مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

۲. روش تحقیق

روش تحلیل محتوا به‌عنوان روش بررسی متون و زوایای مختلف یک اثر، دارای مؤلفه‌هایی است که یکی از این مؤلفه‌ها، تحلیل کمی است که با ترسیم دقیق آماری و نموداری ما را در یافتن پیام‌های آشکار و نهان در متون، به تحلیل کیفی و توصیفی رهنمون می‌شود، لذا پژوهشگر باید به تمام مواردی که در متن به کار رفته توجه کند تا به تحلیل دقیق‌تری دست یابد، در پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا، تمامی مقولات قرآنی مرتبط با مفهوم مدارا استخراج شده، سپس فراوانی کلیدواژگان، مضامین اصلی و فرعی و جهت‌گیری‌هایی که راه را برای تحلیل کیفی هموار می‌سازند، مورد بررسی قرار گرفت، در تحلیل کیفی، محتوای داده‌های متن که در روش کمی طبقه‌بندی و کدگذاری شده است، تفسیر شده و در مرحله تحلیل توصیفی نهایی، شبکه‌ای از اطلاعات منظم مرتبط با مفهوم مدارا و متکی بر تجزیه و تحلیل داده ارائه می‌گردد.

پس از بررسی دقیق آیات قرآنی، (۳۰۳ آیه) با تعبیر افاده‌کننده مفهوم مدارا استخراج شده است، ملاک شمارش این آیات، ذکر صریح کلمات افاده‌کننده مفهوم مدارا در متن آیه بوده است، از این آیات ۷۳۳ مضمون فرعی مورد بررسی قرار گرفت سپس مضامین فرعی، جهت‌گیری عبارات مشخص و بر اساس آن نتایج استخراج گردید.

جدول شماره ۱: فراوانی موضوعات اصلی درباره مدارا

ردیف	موضوعات اصلی در آیات	درصد فراوانی	ردیف	موضوعات اصلی در آیات	درصد فراوانی
۱	صبر	۲۶٪	۵	عدم همکاری با منافقان	۸٪
۲	تعامل همراه با ثبات عقیده	۵۰۱۶٪	۶	اصلاح	۴٪
۳	تعامل همراه با حفظ ارزش‌ها	۱۲٪	۷	برخورد عادلانه	۴٪
۴	عفو	۱۰٪	۸	رهاکردن	۲٪

۳. مفهوم شناسی مدارا

مدارا در زبان فارسی به معنای «رعایت کردن، صلح و آشتی نمودن، ملایمت، آرامی، آهستگی، نرمی نمودن، شفقت، تحمل کردن، تسامح، بردباری و سازگاری نشان دادن» (معین، ۱۳۶۴: ۳۹۵۸)، آمده است، واژه شناسان عرب معنای اصلی مدارا را ملاطفت و برخورد نرم (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۵۵)، خشونت روا نداشتن (طریحی، ۱۳۷۵: ۱۳۸/۱)، و انجام کارها از روی آگاهی و تدبیر (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۵۹/۸)، دانسته‌اند.

در اندیشه اندیشوران علوم اجتماعی، مدارا به‌عنوان فضیلتی اجتماعی، امکان همزیستی صلح آمیز افراد و گروه‌هایی را فراهم می‌کند که دیدگاه‌های متفاوتی دارند و با روش‌های مختلف در جامعه‌ای واحد زندگی می‌کنند، از این منظر مدارا عملی است که به فرد اجازه می‌دهد با وجود امکان استفاده از زور و خشونت و همچنین عدم علاقه نسبت به دیدگاه طرف مقابل، بدون ایجاد تنش و مخدوش سازی فضای گفت‌وگو رفتار شود (Galeoti, 2001; Sullivan, Transue, 1999).

دورنمای مفهوم مدارا از نگاه قرآنی حاکی از آن است که این مفهوم به سبب

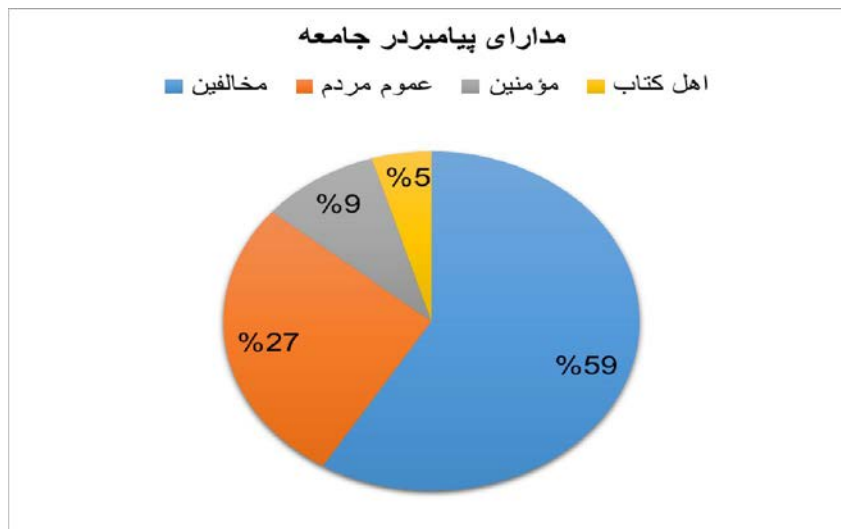
برخوردار بودن از عناصر فکری، رفتاری، عاطفی و اجتماعی در سامان دهی جوامع نوین، کارکردهای متنوعی دارد و رفتار مدارا محورانه به معنای همسویی با مخالفان نیست، بلکه پذیرش زندگی صلح آمیز در اجتماع است.

۴. صورت بندی گروه‌های شایسته مدارا در جامعه

جامعه متشکل از افرادی است که به صورت گروهی روابط متقابل مبتنی بر وابستگی و همبستگی برقرار ساخته‌اند، در منظومه فکری دینی، جامعه حاصل تعامل متقابل انسان‌هاست و از یک سو بسیاری از دستورها و برنامه‌های اسلامی، به صورت فردی محقق نمی‌شود و تنها در سایه اجتماع انسان‌ها تحقق می‌یابند، از سوی دیگر بعضی از اهداف و کارکردهای احکام به طور خاص متوجه جامعه است، از این دست می‌توان به پرداخت صدقات، زکات، امر به معروف و نهی از منکر اشاره نمود، همچنین گروهی از دستورات اخلاقی از جمله بخشش به مردم، مدارا با مردم، وحدت و پرهیز از اختلاف، یا تأسیس نظام اجتماعی و سیاسی، بهره‌گیری از آرای اهل نظر، مشورت و... جهت‌گیری اجتماعی دارند.

نظام اجتماعی اسلام با توجه به جهان‌بینی مورد پذیرش اسلامی طراحی شده و با همان نظام اخلاقی هماهنگ است، از این منظر، انسان موجودی اجتماعی است و برای رسیدن به سعادت حقیقی نیاز به زندگی در جامعه و تعامل با هم نوعان خود دارد، در این دیدگاه، هر یک از اجزاء انسانی جامعه، تشکیل دهنده عضو مخصوص از حیات اجتماعی است که ارزش آن فقط بستگی به این دارد که چه مقدار و چگونه از موجودیت و سرمایه خویش با آگاهی و اختیار در قوام حیات اجتماعی شرکت می‌جوید (جعفری، ۱۳۸۶: ۴۱۴).

در این راستا پس از تحلیل آیات برگزیده، طیف متنوعی از مدارا با گروه‌های مختلف انسانی در اجتماع استخراج شد نکته شایان توجه آنکه چگونگی مدارا نیز در مواجهه با شرایط مختلف، برخوردار از تنوع بوده است.



در نگره قرآنی تکریم انسان و شخصیت بخشی به اعضای جامعه، ارزشی اسلامی به شمار می آید (اسراء/۷۰)، (آل عمران/۷۵) و هتک حرمت دیگران زمینه ساز از بین رفتن الفت اجتماعی می شود. مدارا ملایمت و سازگاری نشان دادن و کشف زمینه های مشترک با دیگران و احترام گذاشتن به افراد غیر مشابه است.

امروزه همزیستی با اقوام و فرهنگ های متنوع در عصر گسترده فزاینده ارتباطات، اهمیتی فراوان دارد. در رویکرد جامعه شناسختی نسبت به نقش مؤثر مدارا بر ساختارهای اجتماعی و شبکه ارتباطی گسترده، تأکید می شود، مدارای اجتماعی عبارت است از تعامل ملایم هر یک از اعضای جامعه با دیگران در محیط های اجتماعی و عمومی که با پذیرش تفاوت ها، شکل می گیرد، مدارای اجتماعی نیازمند این است که همه اعضای جامعه در کنار یکدیگر با آسایش و بدون ترس فیزیکی یا حمله هیجانی و خشونت گام بردارند، مدارا یکی از اصول مهم اخلاق اجتماعی است و ابزاری کارساز برای نفوذ در دیگران و ایجاد تمایل قلبی است.

مداراپیشگی در جامعه، تقویت انسجام و همبستگی اجتماعی را به دنبال دارد و از رهگذر ارتقای آگاهی اجتماعی، برقراری گفت و گوی مؤثر و برخورداری از شبکه اجتماعی متنوع حاصل می گردد، از منظر اسلامی، مدارا در مسائل شخصی و یا مسائل اجتماعی که تقابل و تزاومی با حقوق دیگران نداشته باشد، مورد تأیید قرار گرفته است،

حضرت امیر علیه السلام می‌فرماید: «من تا آنجا که برای جامعه احساس خطر نکنم، شکیبایی پیشه می‌کنم»^۱.

کاهش روحیهٔ مدارا، کاهش مهربانی اجتماعی و بسیاری از معضلات اجتماعی را به دنبال دارد، امام علیه السلام در این باره توصیه می‌فرماید: «بر خاشاک درشتی‌ها چشم فرو بیند، وگرنه هرگز خشنود نخواهی شد»^۲ و نیز فرموده‌اند: «بکوش که ناآگاهی‌ها و برخوردهای تند و ناتوانیشان در سخن گفتن را تاب آوری و از هر سخت‌گیری و خشوتی نسبت به آنها مانع شو تا در برابر آن، خداوند آغوش رحمت به رویت بگشاید و مستوجب ثواب طاعت خویش سازد»^۳.

طبق نمودار، از یک سو وجود طیف متنوع تفاوت‌ها بین انسان‌ها و از سوی دیگر نیازمندی آنان به یکدیگر، تأییدی بر ضرورت اتخاذ مناسبات مداراجویانه به شمار می‌آید، بدون تردید اقدامات مخالفان با هدف براندازی نظام اسلامی و یا ارتکاب عامدانه اعمال خلاف شرع، خارج از محدودهٔ سیاست راهبردی مدارا بوده است.

۵. گونه‌شناسی مدارا در جامعهٔ اسلامی

مطابق آیات قرآنی مدارا به مثابه ابزاری در جهت گسترش روابط اجتماعی به شمار می‌آید، مطلوبیت روابط دگرخواهانه و نیک‌خواهی نسبت به هم‌نوعان فارغ از اعتقادات، وجهی انکارناپذیر از یک جامعه است و در هر جامعه‌ای متناسب با مقتضیات آن شکل می‌گیرد، در این قسمت با ذکر موضوعات فرعی مطرح شده در آیات با محوریت شبکهٔ مفهومی مدارا سعی می‌شود به مقوله بندی جامعی ارائه گردد.

۱. «سَأَصْبِرُ مَا لَمْ أُخَفْ عَلَىٰ جَمَاعَتِكُمْ فَإِنَّهُمْ إِنْ تَمَمُوا عَلَىٰ قِيَالِهِ هَذَا الرَّأْيِ انْقَطَعَ نِظَامُ الْمُسْلِمِينَ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۹).

۲. «أَغْضُ عَلَى الْقَدَىٰ وَالْأَلَمِ تَرَضُ أَبْدَاءُ» (نهج البلاغه، قصار ۲۱۳).

۳. «لَنْ تُقَدَّسَ أُمَّةٌ لَا يُؤَخِّدُ لِلصَّغِيرِ فِيهَا حَقُّهُ مِنَ الْقَوِيِّ غَيْرَ مُتَنَعِعٍ ثُمَّ احْتِمِلَ الْخُرْقَ مِنْهُمْ وَالْعِيَّ وَنَحَّ عَنْهُمْ الصَّبِيَّ وَالْأَنْفَ يَسُطُّ اللَّهُ عَلَيْكَ بِذَلِكَ أَكْنَافَ رَحْمَتِهِ وَيُوجِبُ لَكَ ثَوَابَ طَاعَتِهِ وَأَعْطَىٰ مَا أَعْطَيْتَ هَيِّنًا وَانْتَفَعَ فِي إِجْمَالٍ وَإِعْدَارٍ» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

۵-۱- مدارا با خانواده

مقتضای محبت و دلبستگی به خداوند، نیکی و محبت به انسان‌ها است و مهرگستری و غنی ساختن روابط اجتماعی به مثابه یکی از بنیان‌های اخلاقی دینی آرامش آفرین است، مدارا با خانواده، نشأت یافته از همدلی، احساس عاطفی و تعلق میان اعضاء خانواده است و ساحت قلبی افراد را به یکدیگر نزدیک می‌نماید، پرورش روحیه همدلی در خانواده با رفتارهای مداراجویانه در آیات قرآنی مورد تأکید قرار گرفته است.

قرآن کریم در مورد تمام افراد خانواده توصیه به مدارا می‌نماید. خضوع در برابر پدر و مادر، توصیه‌ای الهی است، مدارا در تربیت فرزندان و سوق دهی آنان به بندگی نیز سفارش شده است، همچنین مدارا در برابر همسر علی‌رغم انجام رفتار ناصحیح، موضوعی است که قرآن کریم از رفتار پیامبر رحمت ﷺ برای ما گزارش می‌نماید.

آیات	نقاط تمرکز	
﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنِّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَمَلًا لَكُمْ فَاخْذَرُوهُمْ وَإِن تَعْمُوا وَتَصَنَّفُوا...﴾ (تغابن/۱۴)	گذشت پیامبر ﷺ در خانواده	۱
﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (طلاق/۱)	مدارای پیامبر ﷺ با همسران	۲
﴿وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِي صَغِيرًا﴾ (اسراء/۲۴)	تواضع در برابر والدین	۳
﴿قَالَ يَا لَئِ لَسَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْتُمْ سَكُمُ امْرَأًا فَصَبِّرْ جَمِيلٌ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ﴾ (يوسف/۸۳-۱۸)	بردباری در برابر و سوسه نزدیکیان	۴
﴿وَ أَمْرٌ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَ اصْطَبِرْ عَلَيْهِمَا لَا تَسْأَلُكَ رِزْقًا تَحْسُنُ تَرْزُقُكَ وَ الْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى﴾ (طه/۱۳۲)	صبر در امر کردن نزدیکیان به نماز	۵



۶	بخشش درروابط همسران	﴿إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوا الَّذِي يَدِهِ عَقْدَةُ النِّكَاحِ وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبَ لِلتَّقْوَىٰ وَلَا تَسْأُوا الْفَضْلَ يَتَسَكَّمُ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ (بقره/۲۳۷)
---	------------------------	---

خداوند متعال درباره کارشکنی های همسران توصیه به مدارا نموده و می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَأَحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعَفَّوْا وَ تَصَفَّحُوا وَ تَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (التغابن/۱۴). صبر در برابر فرزندان از دیگر موارد مدارا در خانواده است، خداوند داستان برادران یوسف علیه السلام و صبر جمیل یعقوب علیه السلام را در برابر خواهش های نفسانی فرزندان به مسلمانان متذکر شده و اینگونه رفتار را می ستاید (قرطبی، ۱۳۶۴: ۲۴۷/۹).

صبر در امریه معروف اهل خانه نیز دیده می شود، همان طور که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در امر اهل خویش به نماز صبر بسیار ورزیده و شکیبایی را طبق فرمان الهی سرلوحه قرار می دادند (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷: ۳۴۲/۱۳)، کسانی که به ایشان اقتدا می کنند، نیز باید این آیه را مدنظر قرار داده و در تربیت دینی فرزندان شکیبایی نمایند: ﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا تَسْأَلْكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَىٰ﴾ (طه/۱۳۲).

۵-۲- مدارا با عموم مردم

علامه طباطبایی، جامعه را به یک تن واحد تشبیه نموده و ضرورت حفظ انسجام و وحدت آنرا مورد تأکید قرار می دهد، به تعبیر ایشان، اسلام به دنبال تشکیل جامعه ای است که اعضای آن در کمال اطمینان خاطر و سلامتی از هر خطری، با هم مأنوس شوند، به یکدیگر اعتماد کنند، با همدیگر تعاون و معاضدت داشته باشند و از خیر یکدیگر بهره مند شوند در غیر این صورت و در شرایطی که اعضای جامعه از هم بیزار باشند و پیوندهای اجتماعی سست باشد، این قطع رابطه هر چند هم که اندک، اما با توجه به گستره آن، خسارت بزرگی به جامعه وارد نموده و رشته حیات آنرا قطع می سازد، از این رو، اسلام در پی آن است تا از کلیه عواملی که منزلت اجتماعی اعضای جامعه را خدشه دار می کند و هویت و شخصیت اجتماعی ایشان را از آنها می گیرد، جلوگیری به عمل آورد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۸۶/۷).

نقاط تمرکز	آیات
۱ گذشت هنگام خشم	﴿وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ﴾ (شوری/۳۷)
۲ بردباری در مواجهه با بدی	﴿أُولَئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَ يَدْرُونَ بِالْحَسَنَةِ الَّتِيئَةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ﴾ (قصص/۵۴)
۳ همراهی با بیعت کنندگان	﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَى أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا فَبَايِعْهُنَّ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (ممتحنه/۱۲)
۴ عفو در برابر نزدیکان	﴿وَ لَا يَأْتَلِ أُولُوا الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَ السَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولَى الْقُرْبَى وَ لِيُغْفَرُوا وَ لِيُصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (نور/۲۲)
۵ سلام به جاهلان	﴿وَ إِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَ قَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَ لَكُمْ أَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا تَبْتَغِ الْجَاهِلِينَ﴾ (قصص/۵۵) و (مریم/۴۷) (زخرف/۸۹) (فرقان/۶۳)
۶ مدارا با نابردباری همراهان	﴿وَ إِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نَصْبِرَ عَلَى طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ... قَالَ أَ تَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَى بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ﴾ (بقره/۶۱)
۷ صبر به خاطر خدا	﴿وَ الَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ وَ كَانُوا رَاغِبِينَ إِلَى اللَّهِ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (ممتحنه/۱۲)
۸ استغفار برای بدکاران	﴿قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيظًا﴾ (مریم/۴۷)

﴿إِنْ تُبَدُّوا خَيْرًا أَوْ تُخَفُّوه أَوْ تُعَفَّوْا عَنْ سُوءٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفْوًا قَدِيرًا﴾ (نساء/۱۴۹)	عفو در برابر بدی	۹
﴿وَالْكَافِرِينَ الْغَائِقِينَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ (آل عمران/۱۳۴)	عفو در برابر مردم	۱۰
﴿فَمَنْ عَفَىٰ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ﴾ (بقره/۱۷۸)	عفو در حکم قصاص	۱۱
﴿وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَغُلِّ سَلَامًا عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ﴾ (انعام/۵۴)	سلام به اصلاح شدگان	۱۲
﴿إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ﴾ (هود/۸۸)	اراده اصلاح در حد استطاعت	۱۳
﴿وَأَمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (حديد/۲۸)	گذشت نبی نسبت مردم	۱۴
﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا﴾ (مائدة/۸)	عدالت ورزی نسبت به مردم	۱۵

در واقع، مدارا با کارکردهای متعدد روان‌شناختی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نقش مهمی در زندگی فردی و اجتماعی انسان ایفا می‌کند، این رویه در روابط شخصی باعث ایجاد ارتباطات دوستانه همراه با احترام و صمیمیت، گذشت و تحمل دوجانبه، همراه با آرامش و بدون نگرانی و تردید می‌شود و رفتارهای تدافعی را به حداقل می‌رساند.

از سوی دیگر، مدارا، مشارکت‌را در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی سرعت بخشیده و تمایل افراد را برای همکاری با گروه‌های مختلف جامعه افزایش می‌دهد و همچنین با تقویت اعتماد، دیگرخواهی، رفتار نوع دوستانه و

همبستگی بین افراد، وفاق اجتماعی را تقویت می‌کند و در نهایت، امنیت اجتماعی را افزایش داده و هزینه‌های نظارت نهادهای رسمی را کاهش می‌دهد، از این‌رو مدارای اجتماعی مهم‌ترین مؤلفه سرمایه اجتماعی و یکی از عناصر اساسی انسجام و نظم در جامعه است.

۵-۳- مدارا با مؤمنان

در قرآن کریم علاوه بر مدارا با عموم مردم، مدارا با مؤمنان به‌طور ویژه بیان شده است، اصلاح امور مؤمنان و سلام به ایشان، همچنین امر به همراهی و باری رسانی به ایشان از اموری است که در قرآن به آن اشاره شده است، اشتراک افراد جامعه در باورهای خداشناسانه، مداراجویی، انس و همبستگی در تعاملات اجتماعی را به دنبال دارد.

آیات	نقاط تمرکز	
﴿السَّلَامُ عَلٰی مَنْ اتَّبَعَ الْهُدٰى﴾ (طه/۴۷) (نمل/۵۹)	سلام به هدایت یافتگان	۱
﴿وَمَا اَنَا بِطَارِدِ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اِنَّهُمْ مَّلَاقِوْا رَبِّهٖمْ وَلٰكِنِّىْ اٰرَاكُمْ فَوْمًا تَجْهَلُوْنَ﴾ (هود/۲۹)	مدارای پیامبر ﷺ با مؤمنین	۲
﴿وَاصْبِرْ نَفْسَکَ مَعَ الَّذِيْنَ يَدْعُوْنَ رَبَّهٖمْ بِالْعَدٰوةِ وَالْعِشْيٰى يُرِيْدُوْنَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاکَ عَنْهُمْ﴾ (کهف/۲۸)	مدارا با خداجویان	۳
﴿وَ اٰخْفِضْ جَنَاحَکَ لِ الْمُؤْمِنِيْنَ﴾ (حجر/۸۸) (شعراء/۲۱۵)	صبوری در برابر مؤمنین	۴
﴿قُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ سَلَامٌ عَلٰى عِبَادِهِ الَّذِيْنَ اصْطَفٰى اَللّٰهُ خَيْرٌ اَمَّا يُشْرِكُوْنَ﴾ (نمل/۵۹) (مریم/۴۷)	سلام به بندگان مؤمن	۵
﴿وَ اِنْ طَافَتَا مِنْ الْمُؤْمِنِيْنَ فَاِنْ فَاَعَتْ فَاَصْلِحُوْا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَاَقْسَطُوْا اِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِيْنَ﴾ (حجرات/۹)	اصلاح روابط میان فردی	۶

۷	تشویق به صبر	﴿وَلَيْنَ صَبَرْتُمْ لَهَوَّ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ﴾ (آل عمران/۱۲۰)
۸	صبر بر گفته‌ها	﴿فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ﴾ (طه/۱۳۰) (مزمّل/۱۰)
۹	رهاسازی	﴿فَدَرَّهُمْ فِي غَمْرَتِهِمْ حَتَّىٰ حِينٍ﴾ (مؤمنون/۵۴) (انعام/۱۱۲) (معارج/۴۲) (احزاب/۴۸)
۱۰	مدارا با اعراض کنندگان	﴿أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا﴾ (نساء/۶۳) (انعام/۳۵)

در نهادینه سازی خصائص اجتماعی همواره موضوع باورها یا اعتقادات نقش انکارناپذیری دارد و باید اذعان نمود که هویت اجتماعی مسئله‌ای منفک از جهان بینی نیست، اهمیت این امر تا بدانجاست که به نظر می آید نخستین شرط برای شکل گیری هویت اجتماعی، باورهای مشترک افراد باشد، لازم به ذکر است؛ انسان‌ها به لحاظ شاکله و ویژگی‌های شخصیتی، هر کدام موجودی منحصر به فرد هستند و آنچه این نفوس مختلف را با هم مانوس می‌سازد، تشابهاتی است که در باورهای آنان وجود دارد، این اشتراک معرفتی در صورتی حاصل می‌شود که عواملان اجتماعی طرز تلقی و باورهای واحدی دربارهٔ وجوه بنیادین حیات انسانی که عبارت از خدا، جهان و انسان است، داشته باشند، به عبارت دیگر مجموعهٔ متنوع افراد انسانی زمانی از یک هویت اجتماعی برخوردار می‌شوند که بر اساس باورهای مشترک به تعامل بپردازند؛ به عبارت دیگر تعامل متقابل زمانی به احساس پیوستگی اجتماعی می‌انجامد که نظام معنایی افراد، به توافق نسبی در باورها رسیده باشند، مودت و دوستی میان انسان‌ها حاصل هم‌نوایی روح‌ها و اشتراک باورهاست، از همین رو جان‌ها و روح‌ها هرگاه با یکدیگر تناسب داشته باشند، زمینهٔ مهبایی برای بروز رفتارهای مداراجویانه ایجاد می‌شود.

توحید محوری یک اصل اساسی در آموزه‌های اسلامی محسوب می‌شود، توحید علاوه بر آنکه تعبیری راجع به ذات وجودی الهی است، راه و روشی برای کمال‌یابی و شناخت بنیادین عالم هستی است و تمامی جنبه‌های زندگی حول آموزهٔ توحید معنا می‌یابد، هر جلوه‌ای از وجود انسان در ارتباط فعالی با اصل توحید می‌باشد، این امر

فطری که مؤکداً مورد توجه رسالت‌های الهی قرار گرفته، تنها منحصر به ساحت قلب و درونیات انسان نمی باشد؛ بلکه اثر آن اعتقاد درونی در ساختار اجتماع انسانی کاملاً هویداست، به عبارت دیگر توحید به مفهوم دید امیدوارانه به ایجاد تحول مثبت و متعالی در جامعه، یگانه قوه محرکه تمامی انبیاء بوده است، در نگره خدامحور حقوق مردم در جامعه همچون حقوق الهی پاس دانسته می شود و روابط اجتماعی اصلاح می شود، زیرا این مهم، ضامن تحقق اخلاق است.

آیات قرآن کریم در مورد مؤمنین سفارش‌های ویژه‌ای به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می نماید. صبر، خفض جناح، سلام، همراهی با مؤمنین، طرد نکردن ایشان، طلب مغفرت برایشان و همچنین اصلاح امورشان از مواردی است که در مدارای قرآنی دیده شده است. خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله امر می کند به تابعان هدایت، بندگان برگزیده خدا سلامت و امنیت بفرستد (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۸۲/۱۹)، خداوند می فرماید: ﴿قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سَلَامٌ عَلٰی عِبَادِهِ الَّذِیْنَ اصْطَفٰی اللّٰهُ خَیْرًا اَمَّا یُشْرِكُوْنَ﴾ (نمل/۵۹)، کسی که از دیگری در سلامت و امنیت است، از حسادت، بغض و دشمنی، حقد و کینه و سایر نیات سوء هم در امان است، بنابراین در برابر نعمت‌هایی که به مؤمن عطا شده حسادت نمی ورزد و یا کینه‌ای از او به دل نمی گیرد، این طرز فکر در برابر مؤمن موجب می شود رفتار فرد همواره توأم با محبت و مدارا باشد، مثلاً مؤمنینی که از روی جهالت گناهی انجام داده و سپس توبه نموده و اصلاح کرده‌اند را بپذیرد (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۱۲۶/۶)، همچنین می فرماید: ﴿وَ اِذَا جَاءَكَ الَّذِیْنَ یُؤْمِنُوْنَ بِآیَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَیْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَیْ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ اِنَّهُ مِنْ عَمَلٍ مِنْكُمْ سُوْءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ وَ اَصْلَحَ فَاِنَّهُ غَفُوْرٌ رَّحِیْمٌ﴾ (انعام/۵۴)، قرآن کریم، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را امر به همراهی با مؤمنین می نماید و می فرماید: ﴿وَ اصْبِرْ نَفْسًا مَعَ الَّذِیْنَ یَدْعُوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَ الْعِشِیِّ یُرِیْدُوْنَ وَجْهَهُ وَ لَا تَعْدُ عِیْنَاكَ عَنْهُمْ تْرِیْدُ زِیْنَةَ الْحَیَاةِ الدُّنْیَا وَ لَا تَطْعُ مَنْ اَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ وَ كَانَ اَمْرُهُ فُرْطًا﴾ (کهف/۲۸)، همان‌طور که در تفسیر این آیه آمده است: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با فقیران از مؤمنین باادب و مهربانی و تواضع برخورد می کرد و ایشان را در طول حیات نورانی اش اکرام می نمود (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۷۴/۱۸).

۴-۵- مدارا با مخالفان

قرآن کریم دربارهٔ مخالفین اعم از کفار، مشرکین و منافقین، به تناسب اقتضائات پیرامونی توصیه‌هایی داشته و در بسیاری موارد امر به صبر، مدارا، گذشت و در صورت سرسختی ایشان، امر به اعراض و یا رها کردن ایشان می‌نماید، حتی زمانی که منافقان برای جلب منافع دشمن، با مسلمانان در جنگ‌ها مشارکت نمی‌کردند، پیامبر ﷺ با آنها به مدارا رفتار کرده و طبق فرمان الهی رهایشان می‌کردند تا با زنان و کودکان در مدینه بمانند و چون حضورشان جز سستی به سپاه نمی‌افزود آنان را به جهاد تشویق نمی‌کردند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۸۶/۹).

مطابق آیه ﴿فَإِنْ رَجَعَكَ اللَّهُ إِلَى طَائِفَةٍ مِنْهُمْ فَاسْتَأْذِنُواكَ لِلْخُرُوجِ فَقُلْ لَنْ تَخْرُجُوا مَعِيَ أَبَدًا وَلَنْ تُمَاتِلُوا مَعِيَ عَدُوًّا إِنَّكُمْ رَضِيتُمْ بِالْقُعُودِ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَاقْعُدُوا مَعَ الْخَالِفِينَ﴾ (توبه/۸۳)، پیامبر اکرم ﷺ در عین حال که از عقاید همهٔ این گروه‌ها براءت می‌جستند، با کمال مدارا و خویشن‌داری اجازه زندگی و بهره‌مندی از جامعهٔ مسلمین را به ایشان می‌دادند.

در جنگ بدر، وقتی پیامبر ﷺ امر به خروج دادند، آنان که طالب کاروان تجاری قریش بودند و تمایلی به جنگ با ایشان نداشتند، برای تحقق آمال خود، به جدال و محاجه بی دلیل پرداختند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۴، ۹). در حالی که پیامبر اکرم ﷺ با صبر و جدال احسن پاسخ می‌دادند و در نهایت خویشن‌داری سعی بر تبیین آموزه‌های اسلامی داشتند، ایشان از بحث و جدل بیهوده نهی شده بودند ﴿فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاءً ظَاهِرًا﴾ (کهف/۲۲).

قرآن کریم در گفت‌وگو با کفار، نحوهٔ نیکویی از احتجاج را امر می‌نماید و به جای مجادله با ایشان که معلوم است اهل عناد و لجاجت هستند می‌فرماید: ﴿لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِي دِينٌ﴾ (کافرون/۶)، به این ترتیب با اتمام حجت با بت‌پرستان از هر گونه سازش بر سر توحید و بت‌پرستی، جدایی کامل خط خود را از آنها مشخص می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷: ۳۸۵/۲۷).

در برخی موارد هم امر به رها کردن ایشان می‌نماید تا اندکی در این دنیا بهره‌مند باشند، آنگاه وعدهٔ عذاب برایشان برسد، بنابراین شیوهٔ قرآن کریم در مورد مخالفینی که دست به

قبضه شمشیر نبرده‌اند و دشمنی خویش را عملاً ظاهر نموده‌اند مدارا با ایشان است.

۴۵

آیات	نقاط تمرکز	
﴿فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُوا الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ...﴾ (احقاف/۳۵) (قمر/۲۵) (ابراهیم/۱۲) (غافر/۵۵)	صبر انبیاء در برابر آزار و اذیت قوم	۱
﴿وَلَيْنَ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ﴾ (آل عمران/۱۲۰، ۱۲۵)	تشویق به صبر	۲
﴿فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ﴾ (طه/۱۳۰) (قی/۳۹) (مزل/۱۰)	صبر بر گفته‌ها	۳
﴿فَلذَرَهُمْ فِي غَمَرَتِهِمْ حَتَّىٰ حِينٍ﴾ (مؤمنون/۵۴)	رهاسازی مطلق	۴
﴿أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا﴾ (نساء/۶۳) (انعام/۳۵)	مدارا با اعراض کنندگان	۵
﴿لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ﴾ (کافرون/۶)	جدال احسن	۶
﴿فَاصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ﴾ (زخرف/۸۹)	بخشش	۷
﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا صَرْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَيَّبُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَن آتَىٰ إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا﴾ (نساء/۹۴)	پذیرش	۸
﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَمَا تَرَيْتَكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ تَتَوَقَّعُتَ الْآلِينَ يُرْجَعُونَ﴾ (غافر/۷۷) (یونس/۱۰۹) (احقاف/۳۵) (قلم/۴۸)	بردباری	۹
﴿قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ (جاثیه/۱۴)	بخشش ناباوران	۱۰
﴿وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ أَن صَدَّقْتُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَن تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ (مائده/۲)	مدارا و عدالت ورزی	۱۱

شبكة مضمونی مدارا در جامعه از منظر قرآن کریم

از رهگذر واکاوی آیات مرتبط با موضوع مدارا با مخالفان می‌توان اذعان داشت، از جمله شاخصه‌های نگرش اسلامی، تصریح بر آزادی انسان است، پذیرش موضوع آزادی از سوی اسلام، حاصل پذیرش اصول معین و ویژه‌ای در انسان‌شناسی اسلامی است، از جمله می‌توان به انتخاب‌گری انسان، مکلف بودن انسان، مورد آزمایش قرار گرفتن انسان اشاره کرد.

اسلام تمایلات عالی انسان را منشاء آزادی انسان می‌شمرد، آزادی لازمه‌ی هویت انسانی و به معنای رهایی از هر گونه مانعی در مسیر تکامل انسانی می‌باشد (عمید زنجانی، ۱۳۶۶: ۵۵۲)، آزادی توأم با احساس مسئولیت از اصلی‌ترین حقوق انسانی به شمار می‌رود و می‌توان گفت غایت دستگاه تعقل و ادراک، بهره‌گیری آزادانه از مواهب خلقت در سیر استکمالی بشر است، در این شاکله‌ی فکری، آزادی تنها در رفع محدودیت‌ها و موانع خلاصه نمی‌شود، بلکه از آنجا که آزادی حقیقی در گرو تکامل واقعی انسان است، زمینه‌سازی و فراهم آوردن موجبات این تکامل نیز از لوازم آزادی انسان است، هر قدر موجبات تکامل و تعالی آدمی بیشتر فراهم گردد، در واقع آزادی او بیشتر فراهم گشته است، بنابراین آزادی تنها به معنی رهایی نیست، بلکه این رهایی باید بر حسب نتایجی که بر آن مترتب می‌شود مورد بازبینی قرار گیرد، تنها گونه‌هایی از رهایی به منزله‌ی آزادی نگریسته می‌شود که موانع رشد آدمی را از میان برمی‌دارد و زمینه‌ی رسیدن به مرتبه‌ی مطلوب از انسان را فراهم می‌آورد، در غیر این صورت، صرف رهایی از هر بندی می‌تواند به منزله‌ی تسلیم شدن به امیال، زمینه‌ی اسارت بزرگ‌تری را فراهم آورد.

به عبارت دیگر مفهوم آزادی در فرهنگ اسلامی بر دو پایه‌ی آزادی معنوی و آزادی اجتماعی بنا نهاده شده است، اهمیت آزادی معنوی یا توانمندی تسلط بر غرائز و شهوات، تا حدی است که حتی در هویت اجتماعی مسلمانان تأثیرگذار می‌باشد (قاسمی، ۱۹۷۹: ۲۴۷)، به دیگر سخن در پس هر حقی برای فرد، حقی برای جامعه نهفته، لذا همواره مسئولیتی آگاهانه نسبت به حق و پایبندی بدان وجود دارد.

اگر بپذیریم که اسلام برای مراعات مصالح بندگان در دنیا و آخرت دارای برنامه‌ای اجرایی است و این مصالح دارای مراتب متفاوتی از ضرورت‌ها تا اولویت‌ها است، پس لزوماً این مصالح قواعدی کلی را تشکیل می‌دهد که علاوه بر آنکه هویت فردی

انسان‌ها را تنظیم می‌نماید، محدودهٔ هویت اجتماعی را نیز تعیین می‌نماید. به هر روی، ایدهٔ آزادی در اسلام بر مطلق بودن آزادی فرد در همهٔ امور، تا زمانی که با حق یا با مصالح عمومی برخورد پیدا نکرده، استوار است و چنانچه با حق یا مصالح عمومی برخورد پیدا کرد، تجاوزی است که باید در برابر آن ایستاد و آن را مهار نمود.

پس تا زمانی که هر کس در چارچوب حقوق خود عمل نماید و به مصالح عمومی آسیب نرساند، کسی متعرض او و آزادی‌های او نیست، لذا آزادی مطلق وجود ندارد، مصلحت‌ها، فرار از آسیب‌ها، عادات و آداب و رسوم‌ها از جمله عوامل محدود کننده آزادی است، ناگفته هویداست در زندگی اجتماعی عدم ملاحظهٔ منافع دیگران مسبب هرج و مرج و کشمکش‌هاست.

قرآن کریم از یک‌سو ضمن تأکید بر نقش آگاهی بخشی پیامبران الهی و آشکارسازی گنج‌های پنهان در عقل مخاطبان، کارآمدترین سرمایه الهی برای شناخت راه رستگاری را تفکر و آزاد اندیشی می‌داند و از سوی دیگر برخورد مدافعانه در مقابل اظهار عقیده‌های توطئه‌گرانه، را به‌عنوان رویه‌ای پیشگیرانه تأیید می‌نماید، به عبارت دیگر مرز آزادی‌های مخالفان را مصلحت‌های جمعی تعیین می‌کند.

۵-۵- مدارا با اهل کتاب

جامعهٔ اسلامی از صدر اسلام تا کنون به شکل‌های گوناگونی با پیروان ادیان گذشته پیوند داشته است، در آیاتی از قرآن به تأیید ادیان الهی پیش از اسلام پرداخته شده ﴿قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾ (بقره/۱۳۶)، و آنان نیز همچون دیگر مردم به پذیرش دین اصیل اسلام فراخوانده شده‌اند ﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ (آل عمران/۸۵، صف/۶)، هر چند برای آزادی عقیده و کرامت انسانی آنان به رسمیت شناخته شده است ﴿وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَلَتُسْأَلُنَّ عَمَّا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ (نحل/۹۳).

در آیات قرآنی، ضرورت مدارا با اهل کتاب در چند مورد صراحتاً بیان شده است،

مدارا در مواردی که اهل کتاب آیات الهی را مخفی می کردند و پیامبر اکرم ﷺ آنها را تبیین می نمود؛ مدارا در شنیدن آزار و اذیت های اهل کتاب؛ مدارا در مواردی که جهت پرسیدن از حکم یا طلب قضاوتی نزد پیامبر ﷺ می آمدند ولی در عین حال نظر ایشان را نمی پذیرفتند و در نهایت مدارا در برابر بدر رفتاری های آنان با مسلمانان، از آن جمله است، در تمام این موارد، پیامبر رحمت ﷺ با اظهار بخشش و صبر، رویه مدارا را در پیش می گرفتند.

نقاط تمرکز	آیات
۱ دعوت	﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ﴾ (مانده/۱۵)
۲ صبر در برابر گفته ها	﴿وَلِتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ آوَتْوَا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذَى كَثِيرًا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾ (آل عمران/۱۸۶)
۳ قضاوت درباره اختلافات	﴿سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَّالُونَ لِلسُّخْتِ فَإِنْ جَاؤُكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرَضْ عَنْهُمْ وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ (مانده/۴۲)
۴ بخشش خیااتکاران	﴿وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِيَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ (مانده/۱۳)
۵ بخشش اهل کتاب	﴿وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّوكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا... فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (بقره/۱۰۹)

مداقه در این آیات گویای آن است که توجه به کرامت انسانی اصلی قابل توجه در دیدگاه اسلامی تلقی می شود، لذا هرگونه تصرفی در روابط اجتماعی که کرامت انسان را زایل نماید و توهینی به جایگاه او محسوب شود، بر خلاف اصول شرعی شمرده

می‌شود، از این منظر انسان مخلوقی است که به واسطهٔ تجهیز به زمینه‌های رشد در مسیر کمال، از دیگر مخلوقات متمایز شده است، قوای عقل، نوآوری در بهره‌گیری از آسمان و زمین، توانمندی دسترسی به عرصهٔ شناخت و وصول به اهدافی که خداوند انسان را بدان سبب آفرید، خصوصیتی است که موجب برتری نوع انسان بر سایرین گشت، آیات قرآنی انسان‌ها را به لزوم توجه به منزلت انسانی و مسئولیت‌هایی که برآمده از چنین جایگاهی است، متوجه می‌سازد، توجه به مدارا در روابط میان فردی در اجتماع، از یک سو سبب می‌شود فردگرایی، تفاخر و جمود رخت بریندد و از سوی دیگر سبب تجدید حیات انسان و توانایی‌های او می‌شود و او را مبدل به نیروی کارآمد می‌سازد.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالبی که گذشت می‌توان گفت:

- مدارا مفهومی است که به سبب برخوردار بودن از عناصر فکری، رفتاری، عاطفی و اجتماعی در سامان دهی جوامع نوین، کارکردهای متنوعی دارد و رفتار مدارامحورانه، همسویی فکری با مخالفان نیست، بلکه پذیرش زندگی صلح آمیز در اجتماع است.

- یکی از مباحث قابل تأمل در بایسته‌های زندگی اجتماعی، مداراجویی است، این رویکرد عاملی تأثیر گذار در آرامش زندگی انسان و عامل بسیاری از رفتارها، اندیشه‌ها و تصمیم‌گیری‌هاست و بر تمامی گرایش‌ها و تمایلاتی که در رفتار انسان آگاهانه جلوه پیدا می‌کند، اثرگذار می‌باشد، این مقوله در قرآن کریم نیز به دقت تبیین شده و به‌عنوان یکی از توانایی‌ها و استعدادهای انسان در کنار عقل زمینه ساز تعاملات اجتماعی است.

- پیامبر ﷺ در جامعهٔ اسلامی، با مسلمانان و غیرمسلمانان رویهٔ مدارامحور داشته‌اند و از این رهگذر ثمرات متنوعی در عرصه‌های رفتاری و عاطفی در راستای نظم بخشی به جامعهٔ اسلامی حاصل شده است.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. تهج البلاغه.
۳. ابن عاشور، محمد بن طاهر، تفسیر التحریر والتنویر، بیروت، مؤسسه التاریخ، ۱۴۲۰.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴.
۵. جعفری، محمدتقی، حکمت اصول سیاسی اسلام، تهران: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۶.
۶. خوانساری، جمال الدین محمد، شرح غرر الحکم و درر الکلم، مقدمه، میر جلال الدین حسینی ارموی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۳.
۷. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵.
۸. طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.
۹. عمید زنجانی، عباسعلی، مبانی اندیشه سیاسی اسلام، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۹.
۱۰. فاسی، علل، مقاصد الشریعة الاسلامیه و مکارمها، چاپ ۲، رباط، مطبعة الرساله، ۱۹۷۹.
۱۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، نشر هجرت، ۱۴۰۹.
۱۲. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۴.
۱۳. معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، انتشارات زرین، ۱۳۸۶.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، قم، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷.
15. Galeoti, Anna E. (2001) «Do We Need Toleration as a Moral Virtues», *Respublica*, Vol. 7 (3): 273-292. (2002) *Toleration as Recognition*, Cambridge: Cambridge University Press (
16. Sullivan, J. L. , & Transue, J. E. (1999). The psychological underpinnings of democracy: A selective review on research on political tolerance, interpersonal trust, and social capital. *Annual Review of Psychology* .